



اگر بخواهیم اقتصاد را از جنبه پراکندگی سرمایه‌ها و دانش فنی مورد بررسی قرار دهیم، با نگاهی گذرا به آمار درمی‌یابیم که بیشترین سرمایه‌های انسانی، مالی و فنی در بخش‌های تولیدی قرار دارند. به بیان دیگر سرمایه‌های عمده هر کشور در واحدهای تولیدی و به طور خاص در بخش صنعت آن استقرار یافته‌اند. علاوه بر انباشتگی سرمایه‌های فیزیکی، انسانی و فنی، قابلیت اشتغال‌زایی صنعت نیز آن را از اهمیت ویژه‌ای برخوردار می‌سازد؛ به نحوی که می‌توان ادعا کرد ظرفیت‌های تولیدی و صنعتی هر کشور، موتور اصلی اقتصاد آن کشورند. اما این ظرفیت‌های بسیار مهم و گسترده ملی توسط خطرهای طبیعی و غیرطبیعی تهدید می‌شوند و همواره وقوع حوادث کوچک و بزرگ، زیان‌های بسیاری را به اقتصاد کشورها وارد می‌سازد. این زیان‌ها در پاره‌ای موارد فعالیت یک یا چند واحد اقتصادی را دچار کنند و یا توقف می‌کند و در برخی موارد نیز به دلیل گستردگی و تنوع خسارت‌ها - که به طور عمده از حوادث طبیعی ناشی می‌شود - اقتصاد ملی یک کشور را به لرزه در می‌آورد.

در سال ۲۰۰۳ میلادی، حوادث طبیعی نزدیک به ۷۰ میلیارد دلار خسارت به بار آورده‌اند که از این میزان تنها ۱۸/۵ میلیارد دلار تحت پوشش بیمه بوده است. در این سال طوفان، گردباد و تگرگ فقط در آمریکا بیش از ۳ میلیارد دلار خسارت به وجود آورده است. حوادث غیرطبیعی سال ۲۰۰۳ نیز حدود ۱۲ میلیارد دلار خسارت اقتصادی بر جای گذاشته‌اند که تنها ۲/۳ میلیارد دلار از آن تحت پوشش بیمه بوده است. این اطلاعات نشان می‌دهد، بررسی راه‌کارهای کنترل آثار زیانبار حوادث برای حفظ حیات و ثبات اقتصادی بسیار ضروری است.

یکی از جدیدترین دستاوردها برای کنترل آثار زیانبار حوادث - که یکی از اهداف آن دستیابی به سود مداوم است - «مدیریت خطر» یا فرآیند اداره روشمند خطرات مرتبط با فعالیت‌ها است. مدیریت خطر، بخش اصلی مدیریت استراتژیک است و مزایایی همچون افزایش توانایی مقابله با تغییر، بالا بردن هوشیاری، درک نتایج، حساسیت بیشتر نسبت به اتخاذ روش‌های مختلف و برآورد مؤثر جنبه‌های مالی خطر

بیمه

عدم النفع

ادامه

حیات

اقتصادی

را ایجاد می‌کند.

صنعت بیمه - که مدیریت خطر اساس آن است - ابزار بسیار کارآمدی برای کاهش یا جبران خسارت‌ها است. این دستاورد ارزشمند با برخورداری از قابلیت‌ها و توانمندی‌های منحصر به فرد خود، می‌تواند نقش بسیار مهمی را در کاهش و جبران آثار اقتصادی خسارات ایفا کند.

کارکرد مناسب و مؤثر بیمه، تابع شرایطی است. واحدهای تولیدی و صنعتی در صورت بروز حادثه از جنبه‌های مختلفی دچار زیان می‌شوند. یکی از نکات بسیار مهم در کارایی خدمات بیمه، شناسایی و خرید همه پوشش‌های بیمه‌ای مورد نیاز است. در بسیاری موارد، مدیران صنایع به تهیه یک یا چند بیمه‌نامه بسنده می‌کنند و بسیاری از خطرهایی را که ممکن است، خسارت‌های هنگفتی را به مجموعه صنعتی آنها وارد کنند، نادیده می‌گیرند. به این ترتیب در صورت وقوع حادثه و بروز خسارت، لاجرم برخی از موارد خسارت، خارج از تعهدات بیمه‌نامه قرار می‌گیرد.

دومین نکته‌ای که موجب می‌شود در صورت وقوع حادثه، خسارات واردشده به صورت مناسب جبران نشود، عدم کفایت مبلغ بیمه‌نامه‌هاست. پس از شناسایی خطرهای و تهیه بیمه‌نامه‌های مناسب، می‌بایست توجه داشت که سقف تعهدات بیمه‌نامه با ارزش واقعی سرمایه‌های بیمه‌شده و نسبت خسارت‌های احتمالی نیز تناسب کافی داشته باشد.

مطالعه و سازماندهی شایسته خدمات بیمه برای یک واحد اقتصادی موجب می‌شود تا در صورت وقوع حادثه، راه‌های مناسب جبران آثار نامطلوب اقتصادی خسارت‌ها و در بهترین شرایط، قرار گرفتن واحد مذکور در وضعیت قبل از وقوع حادثه، فراهم باشد. در این بین هر چه واحد اقتصادی گسترده و سودآورتر باشد، ضرورت چنین سازماندهی در اولویت بالاتری قرار می‌گیرد.

یکی از پوشش‌های بیمه‌ای لازم برای صنایع در این زمینه «بیمه عدم‌النفع» است. این پوشش، خسارت‌هایی را که از عدم امکان ادامه فعالیت و عملیات عادی واحد بیمه‌شده به دلیل حادث شدن خطرات مندرج در بیمه‌نامه مربوط ناشی می‌شود در چارچوب معینی تحت پوشش قرار می‌دهد. علاوه بر این،

بیمه‌نامه عدم‌النفع در محدوده زمانی توقف تولید می‌تواند موارد دیگری، همچون هزینه‌های اضافی و هزینه‌های اضافی برای ادامه کار (ADDITIONAL COST OF WORK, ADDITIONAL COST) را که برای جلوگیری از توقف بیشتر تولید بوجود می‌آید، نیز پوشش دهد.

ویرانی یا آسیب دیدگی ساختمان کارخانه‌ها، ماشین‌آلات و تجهیزات در نتیجه تحقق هر یک از خطرات بیمه‌شده، اعم از خطرات طبیعی یا غیرطبیعی از علل توقف عملیات تولید محسوب می‌شود.

با وجود کارکردها و قابلیت‌های بسیار مهم بیمه عدم‌النفع، متأسفانه این رشته از بیمه در کشور ما برای مدیران صنایع نیز بسیار ناشناخته است.

از آنجا که توسعه این رشته از بیمه به دلیل اهمیت فوق‌العاده آن در توسعه اقتصادی کشور، بسیار ضروری است، شایسته است شرکت‌های بیمه متناسب با نیاز صنایع، انواع پوشش‌های آن را طراحی نموده و در اختیار سرمایه‌های ملی کشور قرار دهند.

در زیر به برخی از مهم‌ترین اقداماتی که به نظر می‌رسد برای توسعه بیمه عدم‌النفع می‌بایست مورد توجه قرار گیرد اشاره می‌شود:

۱ - مطالعه همه جانبه این رشته از بیمه و بررسی تجربه‌های موفق آن

۲ - انتقال دانش و تجربه‌های موفق به شرکت‌های بیمه داخلی

۳ - شناسایی نیازهای ملی در رابطه با بیمه عدم‌النفع و طراحی بیمه‌نامه‌های مورد نیاز متقاضیان

۴ - مساعدت مراجع و سازمان‌های مؤثر برای ترغیب مدیران صنایع و واحدهای تولیدی به تهیه این بیمه‌نامه

۵ - تلاش مؤسسات بیمه برای معرفی هر چه بیشتر قابلیت‌های این رشته از بیمه به مدیران واحدهای تولیدی

به نظر می‌رسد، چنانچه مزایای این بیمه‌نامه به درستی برای مخاطبان آن تشریح شود و شرکت‌های بیمه نیز متناسب با نیاز استفاده‌کنندگان از این بیمه‌نامه، طرح‌های مناسبی را ارائه نمایند و مدیران صنایع دولتی و غیردولتی نیز به استفاده از این بیمه‌نامه ترغیب شوند، در آینده شاهد شکوفایی آن خواهیم بود.